



شکفتنی‌های مهرگان



نویسنده:

اسماء معصومی نژاد

شگفتی های مهرگان

اسماء معصومی نژاد^۱

برابر با بهروز رسانی ۱۱ مهر ۱۳۹۵

در روزگاران کهن همانگونه که هر ماه دارای نامی بود هر روز ماه را نیز نامی بود و در روزی که نام ماه و روز یکی می شد آن روز را جشن می گرفتند. یکی از این جشن ها که بسیار شکوهمند برگزار می گردید جشن مهرگان بوده است. شاید بتوان گفت این جشن قدمتی به اندازه ایزد میترا دارد و چه بسی مهرگان بزرگ ترین جشن پیروان آیین میترا بوده است. قدیمی ترین نامی که از میترا به دست آمده است در بغازکوی در آسیای صغیر که بر روی لوح گلی از لوح های کشف شده در این منطقه است و این نشان دهنده آن است که فرهنگ ایرانی دست کم در این تاریخ در این منطقه حضور داشته است و از طرفی نشان دهنده قدمت بالای میترا است. علاوه بر دلایل آیینی، دلایل اساطیری هم برای این جشن بیان کرده اند که معروف ترین آنها قیام کاوه آهنگر و پیروزی بر ضحاک و بر تخت نشستن فریدون است. اما جالب آنکه رویدادهای مهم تاریخی نظیر پیروزی داریوش بر گئومات در روزهای نزدیک به مهرگان رخ داده است که شباهت به اسطوره ها دارد. ریشه بنیادین جشن های ایران باستان به طبیعت باز می گردد و همه این جشن ها پیوند تنگاتنگی با طبیعت و زیست بوم آدمی دارند؛ این مسئله درباره مهرگان بسیار پر رنگ است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه باهنر کرمان

درآمد

یکی از ویژگی های قرن اخیر توجه پژوهشگران به ایران باستان بوده است. توجهاتی که سبب شد بسیاری از مسائل که در حاله ای از ابهام بود تا حدودی روشن شود. یکی از این مسائل جشن های میهنی ایرانیان است. جشن های میهنی مرتبط با زمانی از حیات ملت است که آرمان های دینی و اخلاقی و شاعرانه آن ملت به صورت نمادین مورد ستایش قرار می گرفتند.

جشن های ایران باستان ویژگی های جالبی دارند که هر کدام ارزش خاص خود را دارد. نخست اینکه همگی با پدیده های طبیعی و کیهانی و اقلیمی پیوند داشتند و به همین دلیل کوشش شده است تا زمان برگزاری آنها هرچه بیشتر با طبیعت و تحولات طبیعی همراه باشد به طوری که یک گاهشماری متناسب با طبیعت شکل گرفت.

ویژگی دیگر این جشن ها، شادی و شادمانی در هنگام برگزاری این جشن ها می باشد به طوری که همه جشن ها با شادی و پایکوبی همراه هستند و اشک و گریه در هیچکدام از آن ها جای ندارد.

ویژگی مهم دیگر این جشن ها در گستردگی مراسم و محبوبیتشان نزد مردم بوده است. ایرانیان جشن ها و آیین های میهنی خود را به گونه ای یکپارچه و با همبستگی و همزیستی شگفت آوری برگزار می کردند و تفاوت های قومی و زبانی و حتی گاه دینی را عامل بازدارنده این یگانگی نمی دانستند. یکی از این جشن ها، جشن مهرگان منسوب به میترا است و تأثیر آشکار و غیر قابل انکاری در بافت اجتماعی و فرهنگی ایرانیان باستان به ویژه در جامعه عصر ساسانی گذاشت.

به طور کلی به نظر می رسد میترا تأثیرات زیادی در سطح جهانی گذاشته است که بررسی آن یک بحث مفصل دیگر را می طلبد.

WWW.KHERADGAN.IR

تاریخچه مهرگان و ایزد مهر

جشن مهرگان از جشن های بسیار با فر و شکوه ایرانیان باستان بوده است و به عنوان جشن ملی شناخته می شده است. چنین می نماید که این جشن را در دوران هخامنشیان میتراکانا می خواندند. این جشن برای ایزد مهر خدای آریایی است که در متون مربوط به ایران باستان میتره یا مئیره نامیده شده است و از کهن ترین یافته ها که نام میتره آمده است می توان به الواح گلی بدست آمده از بغازکوی در آسیای صغیر اشاره کرد (آخته، ۱۳۸۴: ص ۸۵).

در اوستا ایزد مهر بزرگترین ایزدان است و در مقدمه مهریشت آمده است که اهورامزدا وی را در بزرگی و شکوه و توانایی هم قدر و هم سنگ خود آفریده است (رضی، ۱۳۷۱: ص ۴۹۸).

مهر بین اهورامزدا و اهریمن قرار داده شده است و از بزرگترین ایزدان روشنایی است. پیروان زرتشت معتقد بودند مهر از طرف خدا مأموریت دارد شر و بدی را دفع کند و او را ایزد عهد و پیمان می دانستند (پیرنیا، ۱۳۸۶: ص ۲۰۴).

مهر که از دروغ بیزار است، پشتیبان جنگاوران نیک کردار نیز می باشد. این ایزد شکوه و حشمت می بخشد و ایزد جنگ، روشنی و فروغ، پیمان، مهر، دوستی، حافظ خانواده و شهر و کشور، بخشنده ثروت و نعمت، پیروزی، شهریاری، قدرت و تسلط، داور اعمال در روز واپسین است (رضی، ۱۳۷۱: ص ۴۹۶).

شواهدی وجود دارد که جشنی شبیه به جشن مهرگان در بابل و بین النهرین وجود داشته و جشن آفرینش محسوب می شده است. مانی هم در آیین خود این ایزد را آفریننده می داند و می گوید جهان مادی بد است و ایزد مهر هم نه به خاطر یک چیز خوب آن را خلق کرده است بلکه به خاطر نجات روح آن را آفریده است (بهار، ۱۳۸۷: صص ۳۵۱-۳۵۰).

چنین می نماید که این جشن جزء یک رشته از جشن های بومی در ایران باستان بوده است که پس از ظهور زرتشت و ورود میترا توسط روحانیان زرتشتی به مرور زمان نیز این جشن با اعمال تغییراتی به صورتی جشن مذهبی در دین زرتشت در آمده و از شکل آفرینشی خود در جنوب غربی ایران در شرق ایران شکل برکتی به خود گرفت و انجام این جشن همراه با آداب و رسوم خاصی شد و شاهان و مغها با حضور خود در این جشن رسمیت بیشتری به آن دادند (رجبی، ۱۳۷۵: صص ۱۲۸-۱۱۸-۱۱۷).

طبق شواهد موجود این جشن در دوره هخامنشیان با شکوه و جلال هرچه تمام تر برگزار می شده است و حتی در موقعی از تاریخ این حکومت به عنوان شروع سال جدید شناخته می شده است. پس از روی کار آمدن ساسانیان و رسمی شدن دین زرتشتی در ایران، جشن ها بار دیگر شکل و رنگ تازه ای به خود گرفتند. مهرگان هم از این قاعده مستثنی نماند. یکی از این تغییرات ایجاد تحول در موقع مهرگان بوده است.

زمان برگزاری مهرگان (در روزگار کهن و روزگار کنونی)

در متون ادبی و تاریخی، شانزدهم مهر ماه، جشن مهرگان خوانده شده است اما به دلیل تحولات گاهشماری در طول تاریخ همواره درباره روز برگزاری مهرگان بحث و گفتگو بوده است.

به موجب گاهشماری های ایران باستان سال به دو فصل تقسیم می شد، تابستان بزرگ که به نام «هم» (Hama) شناخته می شد و زمستان بزرگ که «زین» (Zayana) نامیده می شد و مهرگان در آغاز زین یعنی زمستان قرار داشت (رضی، ۱۳۷۱: ص ۵۰۰).

برخی از تحلیل ها حاکی از آن هستند که برگزاری جشن مهرگان از نخستین روزهای پاییز آغاز می شد و سپس با تدوین دقیق تر گاهشماری تاریخ رسمی آن هم دگرگون شد.

درگاهشماری ایران باستان بر هر یک از دوازده ماه سال و سی روز ماه نام یکی از ایزدان را گذاشته بودند و به نظر می‌رسد در همان دوران هخامنشی (شاید اواخر آن دروان) این نوآوری صورت گرفت که اگر نام ماه با نام روز یکسان می‌شد آن را جشن می‌گرفتند. از ماه مهر روز شانزدهم ماه نام مهر بر خود داشت. اینچنین شد این جشن از یک مهر ماه به شانزدهم مهر ماه انتقال یافت (بویس، ۱۳۸۴: صص ۳۶۴-۳۶۳).

در هر حال تردیدی نیست که در دوران هخامنشیان گاهشماری ایرانی تحولاتی را به خود دید و احتمال می‌رود که گاهشماری مصری که از گاهشماری‌های دقیق آن دوران بوده است، تأثیر زیادی در تدوین گاهشماری اوستایی نو در زمان هخامنشیان داشته است (معصومی نژاد، ۱۷ مرداد ۱۳۹۵).

تحولات و دقیق تر شدن گاهشماری ایرانی در طول تاریخ حتی تا دوره‌های پس از اسلام ادامه یافت. چنین می‌نماید که اردشیر پاپکان (۲۴۲-۲۲۴) مؤسس سلسله ساسانیان اصلاحاتی در گاهشماری انجام داد و ۵ روز تقویم را به عقب آورد تا با موقع اصلی خود هماهنگ شود در این هنگام زمان بر پایی جشن مهرگان باید براساس تقویم اوستایی گردان بیست و یک مهر ماه می‌بود که با ۵ روز به عقب آمدن تقویم به موقع اصلی خود یعنی شانزدهم مهر ماه بازگشت (برای دانش بیشتر ن.ک: بویس، ۱۳۸۴: صص ۳۳۸-۳۳۷-۳۳۶).

از طرفی در متون مربوط به ایران پس از اسلام از گرامی داشت مهرگان بزرگ در سالروز پیروزی کاوه و فریدون بر ضحاک سخن رانده‌اند به طوری که روز بیست و یکم مهر ماه به عنوان مهرگان بزرگ خوانده شده است.

ابوریحان بیرونی ابتدا درباره جشن مهرگان اینچنین نوشته است:

مهر ماه روز اول آن هر مزد روز است و روز شانزدهم مهر است که عید بزرگی است و به مهرگان معروف است که خزان دوم باشد و این عید مانند دیگر اعیاد برای عموم مردم است و تفسیر آن دوستی جان است ... (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۳۳۷).

اما او در ادامه درباره مهرگان بزرگ اینچنین گزارش داده است:

روز بیست و یکم رام روز است که مهرگان بزرگ باشد و سبب این عید آن است که فریدون به ضحاک ظفر یافت و او را به قید اسارت در آورد...

بیرونی در ادامه به چگونگی به هم پیوسته شدن مهرگان و جشن‌های مدت دار مربوط به مهرگان اشاره می‌کند:

زردشت ایرانیان را امر کرد که باید مهرجان و رام روز را به یک اندازه بزرگ بدارید و با هم این را عید بدارید تا آنکه هرمز پسر شاپور پهلوان میان این دو را به هم پیوست چنانکه میان

دو نوروز را هم بهم پیوست و سپس ملوک ایران و ایرانیان از آغاز مهرگان تا سی روز تمام برای طبقات مردم مانند آنکه در نوروز گفته شد عید قرار دادند و برای هر طبقه ای پنج روز عید دانستند (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۳۴۰).

با توجه به این اشارات احتمال می‌رود که هرمز یکم (۲۷۲-۲۷۳) نوه اردشیر پاپکان به توصیه موبد بزرگ کرتیر (۲۴۲-۲۹۴) این مشکل را حل کرد (رجبی، ۱۳۷۵: ص ۲۲۲).

تحولات گاهشماری ایرانی همواره وجود داشته است و در دوران باستان گاهشماری یزدگری شکل گرفت که باز هم به سوی دقیق تر شدن پیش رفت. پس از اسلام هم گاهشماری ایرانی با توجه به ریشه‌های باستانی اصلاح و تدوین شد.

گاهشماری کنونی ایرانی هم یک گاهشماری دقیق و علمی است که با توجه به بلند بودن بهار و تابستان نسبت به پاییز و زمستان، شش ماه نخست سال ۳۱ روز دارند.

امروز برخی از هم‌میهنان دوست دارند با توجه به گاهشماری کنونی که گاهشماری علمی و متناسب با طبیعت است، مهرگان را گرامی بدارند بنابراین، روز ۱۶ مهر را جشن مهرگان می‌دانند. اما برخی از دیگر هم‌میهنان ترجیح می‌دهند بر اساس گاهشماری ۳۰ روزه جشن مهرگان را گرامی بدارند و مهرگان را در ۱۰ مهر ماه می‌دانند.

اما با توجه به آنکه در متون تاریخی هم به گرامی داشت مهرگان در یک دوره زمانی اشاره شده است، از نخستین روزهای مهر ماه، ایرانیان کنونی، درود و شادباش مهرگان را آغاز می‌کنند و تقریباً تا پایان مهر ماه یاد مهرگان باقی می‌ماند چرا که در ۲۱ مهر، سالروز پیروزی کاوه و فریدون بر ضحاک گرامی داشته می‌شود.

WWW.KHERADGAN.IR

علت برپایی مهرگان

برای برپایی جشن مهرگان دلایل گوناگون ذکر شده است. از جمله دلایل مرتبط با طبیعت، دلایل آیینی و اساطیری را گفته‌اند. ابوریحان بیرونی به صورت شایسته به جنبه‌های گوناگون این جشن اشاره کرده است. بیرونی به صورت کلی اینچنین درباره مهرگان نوشته است:

تفسیر آن دوستی جان است و گویند که مهر نام آفتاب است و چون در این روز آفتاب برای اهل عالم پیدا شد این است که این روز را مهرگان گویند و دلیل بر این گفتار آن است که از آیین ساسانیان در این روز این بود که تاجی را که صورت آفتاب بر او بود به سر می‌گذاشتند و آفتاب بر چرخ خود در آن تاج سوار بود و در این روز بر آن ایرانیان بازاری بپا می‌شود (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۳۳۷).

بدون تردید یکی از دلایل مهم برپایی مهرگان، پیوند این جشن با طبیعت بوده است. با یک دید نمادین می توان گفت در پاییز خورشید کارش را که رساندن میوه ها و محصولات کشاورزی است انجام داده است و مهرگان به علت واقع شدن در پایان فصل کار و کوشش و دروی محصول و زمان فراغت خیال کشاورزان از مسائل گوناگون و همچنین واریز شدن مالیات ها به خزانه شاهی، شروع دوره ای از آرامش است که بر محبوبیت این جشن می افزاید.

اما همانطور که اشاره شد با توجه به داستان های اسطوره ای، این جشن با پیروزی کاوه و فریدون بر ضحاک ارتباط تنگاتنگی دارد. در تاریخ ایران درفش کاویانی به این اسطوره پر معنا اشاره داشته است و همواره درفش ملی ایرانیان بوده است. درفشی که نشان قیام مردم علیه بیدادگر بیگانه و برانداختن او بود. درفشی که در دوره های ایران باستان از آن به عنوان پرچم و درفش ملی ایرانشهر در کنار دیگر درفش های شاهی و نظامی استفاده کرده اند (صائبی، ۱۳۹۴: ص ۷). نگاره درفش کاویانی از دوره های دور حتی از دوران هخامنشیان در آثار دیده می شود (صائبی، مهر و آبان ۱۳۹۴).



نقاشی: علی واعظی

فردوسی نیز در اشعار خودش روز پیروزی فریدون بر ضحاک را در مهر می داند و می گوید:

به روز خجسته سر مهرماه
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

چنین می نماید که کشته شدن گئوماته مغ به دست داریوش و یارانش در همین روزها بوده است چرا که داریوش در کتیبه بیستون اینچنین می نویسد:

آنگاه اهورامزدا را به یاری طلبیدم، اهورامزدا مرا پایید؛ ۱۰ روز از ماه باگیادی گذشته بود (متن بابلی: با حمایت اهورامزدا دهمین روز از ماه تشریتو) آنگاه من با تعداد اندکی از مردان، گئوماته مغ را کشتم، ... (کتیبه بیستون، بند ۱۳، ترجمه لوکوک، ۱۳۸۹: ص ۲۲۲).

با تطبیق این تاریخ با تقویم کنونی، مشخص می‌شود که این پیروزی داریوش بزرگ در مهر ماه کنونی بوده است (دهمین روز از ماه تشریتو مصادف است با ۲۹ سپتامبر سال ۵۲۲ پیش از میلاد برابر با ۸ مهر ماه کنونی). و همان طور که اشاره شد گاهشماری ایرانی در طول سالیان دراز اصلاحات فراوانی را به خود دیده است.

جالب آنکه شباهت این پیروزی به پیروزی کاوه و فریدون بر ضحاک دیده می‌شود. مگر نه آن که گئوماته نماد ظلم و ستم بود و داریوش در نقش نجات دهنده دقیقاً همان نقشی که فریدون بازی کرد گئوماته را از میان برداشت و صلح و نیکی و عدالت را در سرزمین آریایی استوار ساخت. این مسئله چیزی غیر از همان پیروزی خیر بر ستم در نظر نمی‌آورد.

نکته قابل توجه دیگر درباره علت برپایی جشن مهرگان که ابوریحان بیرونی به آن اشاره می‌کند این است که مهرگان روز پایان دنیا دانسته شده و از این روی مهرگان، بر عکس نوروز است که نوروز روز آغاز آفرینش بیان شده است.

بیرونی در آثارالباقیه در این باره نوشته است:

آن دسته ایرانیان که به تأویل قائلند برای این قبیل مطالب تأویل قائل می‌شوند و مهرگان را دلیل بر قیامت و آخر عالم می‌دانند به این دلیل که هر چیزی که دارای نمو باشد در این روز به منتهای نمو خود می‌رسد و مواد نمو از آن منقطع می‌شود و حیوان در این روز از تناسل باز می‌ماند چنانکه نوروز را آنچه در مهرگان گفته شد بعکس است و آن را آغاز عالم می‌دانند ... (بیرونی، ۱۳۸۹: ص ۳۳۹).

از این رو مهرگان را نشان رستاخیز و پایان جهان می‌دانند. به این دلیل که هر چیزی که دارای نیروی بالندگی باشد در پاییز به منتهای بالندگی خود می‌رسد.

آنچه از گفته بیرونی می‌توان برداشت کرد این است که این روز را روز پیروزی خیر و نیکی آن هم به کمک میترا ایزد حامی نیک اندیشان و نیک خواهان بر ظلم و ستمگری می‌دانستند. نکته بسیار جالب در گفته ابوریحان بیرونی اشاره وی به گرز گاوسار است که به وسیله آن فریدون ضحاک را شکست می‌دهد. این گرز ویژه میترا است که به وسیله آن بر سر دشمنان و عهدشکنان می‌کوفت. شاید به همین دلیل است که موبدان

زرتشتی هنگامیکه می‌خواهند رسماً جامه روحانی را بر تن کنند گزری به این شکل دارند که یادآور مبارزه اخلاقی او با اهریمن است (بویس، ۱۳۸۴: ص ۳۶۸).

شناسنامه نوشتار:

معصومی نژاد، اسماء (۱۱ مهر ۱۳۹۵). «شگفتی‌های مهرگان». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری:
<http://kheradgan.ir/?p=14455>

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها:

- آخته، ابوالقاسم (۱۳۸۴). جشن‌ها و آیین‌های شادمانی در ایران باستان تا امروز. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۷). از اسطوره تا تاریخ. گردآورنده ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: انتشارات چشمه.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۷). ادیان آسیایی. تهران: انتشارات چشمه.
- بویس، مری، (۱۳۸۴). علم در ایران و شرق باستان. مترجم همایون صنعتی زاده. تهران: انتشارات نگاه.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۹). آثار الباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیر کبیر.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۶). تاریخ ایران. تهران: انتشارات فراین.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۰). هزاره های گمشده. تهران: انتشارات توس.
- رجبی، پرویز (۱۳۷۵). جشن‌های ایرانی. تهران: انتشارات فرزین.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱). گاهشماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: انتشارات بهجت، چاپ نخست.
- رضی، هاشم (۱۳۸۳). جشن‌های آب. تهران: انتشارات بهجت.
- زریاب خویی، عباس (۱۳۷۰). یکی قطره باران. گردآورنده احمد تفضلی. تهران: انتشارات مهارت.
- صائبی، میثم (مهر و آبان ۱۳۹۴). «درفش کاویانی، کهن ترین درفش ملی ایران». سرزمین آزادگان. ش ۶، صص ۷-۱۱. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=12088>
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۹). کتیبه‌های هخامنشی. ترجمه نازیلا خلخالی. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- معصومی نژاد، اسماء (۱۷ مرداد ۱۳۹۵). «تأثیرات متقابل گاهشماری‌های مصری و ایرانی بر یکدیگر». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=14067>



پایگاه خردگان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR

WWW.KHERADGAN.IR